

## آیا با تکیه بر لست پنجهزار نفر دیگر شهدا را فراموش نکرده ایم؟

مدتی است که به طور بلاانقطاع مقالاتی در ارتباط با لیست پنجهزار نفری شهدای دوران حاکمیت خلق - پرچم در رسانه ها به نشر میرسد. اینکار با آنکه کار بانسته ای است و باید به زحمتی که نویسندگان آن کشیده و میکشند به دیده قدر نگریسته شود، متضمن عیوبی اند که باید بدان ها توجه شود. عیب اول این است که همه و همیشه تنها در مورد جنایات خلق و پرچم نوشته می شود. البته این کار در نفس خود عیب نیست، بلکه عیب در این است که ما طرف دیگر قضیه را، یعنی مردم را که با ایستادگی و مقاومت قهرمانه خویش در برابر این رژیم وحشت و آهن و آتش و خون انواع سختی ها را به جان خریده و قربانی ها داده اند، تقریباً فراموش نموده ایم. فراموش کرده ایم که اگر یکطرف خلق و پرچم و قساوت و حیوانیت و داغ و درفش است، طرف دیگر مردم و مقاومت و انواع سختی و غم و اندوه و داغدیدگی و اشک و آه و نیست و نابود کردن هاست که نباید تنها با گفتن یک کلمه - شهید یا خانواده شهدا - بدان اکتفا گردد.

بیان وسعت و شدت پایداری و مقاومت به خودی خود شدت و وسعت سببیت تشنه به خونان خلقی - پرچمی را نمایان می سازد. ده تا رهبر ناباب و فاسد و بیگانه پرست ده تا حزب به اصطلاح اسلامی - جهادی و بیست - سی تا قوماندان تباهکار فاسد فاجر خون آشام ضد ملک و ملت را اگر از قلم بیندازیم، باقی همه ملت، از روستا تا روستا و از شهر تا شهر، از عامی و غیرعامی، از کاردار و بی کار، از عالم و غیرعالم، از باسواد و بی سواد، از تحصیل کرده و بی تحصیل، از کارگر و مامور، از دهقان و زمین دار، از شاگرد و معلم، از روشنفکر و غیرروشنفکر، همه، مذهبی و غیرمذهبی، سیاسی و غیرسیاسی و چپ و راست شامل مقاومت در برابر روس و دست نشاندهانش بودند. همه، کسی بنام جهاد و کسی هم بنام مقامت، کشته دادند و کشته شدند. هر یک داستانی دارند که باید گفته شود تا از یکطرف غایت درنده خوئی خلق - پرچم بدرستی نمودار گردد و از طرف دیگر حق و دین آنهایی که برای آرمان های انسانی و آزادی و سربلندی خود و کشور شان در برابر دیو صفقان خلقی - پرچمی تا سرحد مرگ در برابر خلق و پرچم و روس ایستادگی نموده اند، ادا شود.

عیب دوم این است که هر قدر به عدد پنج هزار تأکید شود و در نوشته ها بطور متواتر این عدد ظاهر گردد، همین عدد آهسته آهسته در ته ظرف ذهن مردم، بخصوص در ته ظرف ذهن نوباوگان و جوانان ما در خارج از کشور، آنانیکه از بطن جامعه دور هستند و از تحولات گذشته و حال آن تا حدودی بی خبرند، رسوخ و رسوب میکند. ارچند پنجهزار نفر هم عدد کمی نیست!! میگویند: " دروغ اگر پیهم و به تکرار گفته شود، جای حقیقت را میگیرد."

عیب سوم ذکر مستمر ارقام و اعداد نامعین و نامشخصی هستند که در هر نوشته ای ظاهر میگردد. من خودم در ده ها نوشته تعداد شهیدانی را که در دوران حاکمیت خلق - پرچم و به دست آن ها به شهادت رسیده اند گاهی هزاران، گاهی ده ها هزار، گاهی صدها هزار و گاهی هم یک تا دو میلیون ذکر نموده ام، هرچند هر کدام در جایی و نسبت به نوع کشته شدن ها، درست است!

من در این مورد نه خود و نه هیچ نویسنده دیگری را ملامت نمی کنم. نه دولت را در چنین وضعیتی ملامت می کنم که چرا اقدامات لازم و ضروری را برای دست یافتن به لیست یا احصائیه ای کامل و فراگیری از شهدای سرتاسری کشور به عمل نیاورده است. چرا که این کار، در شرائط کنونی، میتواند سبب برافروختگی بیشتر مردم و در نتیجه بروز تشنجات و تخاصمات زیاده تر در کشور گردد. پرواضح است که هدف من به هیچوجه تشدید آزدگی ها و افزایش تشنجات و دشمنی ها در کشور نیست. هدف از این نوشته و پیشنهاد این کار تنها داشتن یک احصائیه ای دقیق از آن هائی است که در

دوران حاکمیت خلق و پرچم به گونه ای بدست آید که کشته شده اند. هدف این نیست که درد ها را تازه کنم و غلغله ای برپا شود.

رفع این عیب کار یک یا دو نفر نیست. برای دست یافتن به یک عدد مشخص و معین، باید دولت و یا سازمان هائی که توانائی گرفتن احصائیه همه شهدا را از طریق مراجعه مستقیم به همه دردمندان داشته باشند، بنابر وظیفه و مسئولیت ملی - وجدانی، دست از آستین برآورند.

نمیدانم وضع ادارات احصائیه گیری ما چگونه است. اگر این ادارات مانند چهار دهه قبل فعال باشند و آرزوی انجام این کار را داشته باشند، خوب، و الا:

یکی از راه ها اینست که سازمان هائی که از نگاه کاری خود را مکلف به اجرای چنین وظیفه ای می دانند - مانند کمیسیون حقوق بشر افغانستان، جامعه مدنی، امریت منبع بشری و شبکه های تلویزیونی و سرمایه داران ملی و ... - و توانائی اینکار را در خود می بینند، با تماس کتبی و فرستادن جدول های متحدالشکل به تمام ولایات از مسئولین تقاضا نمایند - به توافق و همکاری دولت - تا با توظیف افراد مناسب و قابل اطمینان در گروپ های دو - سه نفره برای ترتیب لیست کامل شهدا با ناحیه های شهری، از طریق شهرداری ها در شهرها، و بزرگان روستا ها از طریق ولسوالی ها، در اطراف، در تماس شده معلومات مورد نظر را مستقیماً از خانواده های جانباختگان بدست بیاورند.

با اكمال چنین لیستی، از چنین راهی، نه تنها به تعداد دقیق کشته شدگان در دوران حاکمیت خلق و پرچم دست پیدا می کنیم، که از جنسیت، وظیفه، عمر، آدرس و تاریخ و محل بازداشت و قتل آن ها نیز با خبر خواهیم شد.

راه های دیگر از طریق مکاتب و مدارس و مساجد است. در انجام این مأمول از طریق مکاتب یک بدی و یک خوبی وجود دارد. بدی آن اینست که نوباوگان ما در مراحل آغازین عمر، زمانی که هنوز تفکیک درست و نادرست را به سختی می توانند بکنند، نباید با چنین سوالاتی و با چنین داستان های تراژیک و تفنگ و کشتن و بستن و بردن و زدن و زندان و خون و آتش و خشونت و خیانت آشنا شوند. خوبی آن، آشنائی شاگردان مکاتب با این چنین مسائلی در مراحل کمی پیشرفته عمر، است که از واقعیت های جنگ و سیاست های تندروانه و عواقب اجتماعی - انسانی ناگوار آن آگاه می شوند و با چنین آگاهی ممکن است هر یک به عنصری ضد جنگ و عنصر مخالف حاکمیت های استبدادی و غیرمردمی تبدیل گردند.

از طریق مسجد انجام این مرام را من برای آن لازم نمی دانم که مسئولین مساجد ما ممکن است با به کار گرفتن تعصب و دشمنی اعتقادی ای که با خلق و پرچم داشتند و دارند، در تهیه این لیست اغراق کنند و یکی را سه و سه را سی بنویسند! همانطوری که طرف مقابل تلاش دارد سه را یکی و سی را سه به حساب آورد!!

هدف ما باید دست یافتن به یک عدد یا رقم واقعی کشته شدگان - شهدا - به دست خلقی ها و پرچمی - چه آنانی که گم اند، چه آنانی که در زندان ها و پولیگون ها سر به نیست گردیده اند و چه جانباختگان در جنگ ها، باشد؛ نه طولانی ساختن غیرواقعی، غرضمندانه و غیرتحقیقی یک لیست.

خواهش من از اداره سایت "گفتمان دموکراسی افغانستان" به دلیل تعادل سازنده ای که دارند، این است که، اگر برای شان ممکن باشد، در این خصوص با مراجع علاقمند به این کار در تماس شده این پیشنهاد را با آن ها در میان بگذارند.

کوشش شش - هفت سال پیش من از طریق یکی از سایت های افغانی برای رسیدن به این مقصد متأسفانه بی نتیجه ماند.

در رابطه با آن هائی که بدست احزاب به اصطلاح اسلامی - جهادی کشته شده اند، یا در جنگ هائی که این ها مسبب آن ها بوده اند جان های شان را از دست داده اند، باید به موقع به چنین احصائیه گیری اقدام شود.

انجام رضایت بخش و دقیق این کار در خصوص کشته شدگان بدست طالب، و به اصطلاح جهادی ها در شرائط فعلی که همه جا حضور و قدرت این ها محسوس است، به نظر من، غیر عملی خواهد بود!